[141] أي مردم ! ديشب مردى از ميان شما رفت كه نه از پيشينيان ونه ازآيندگان كسى بر أو پيشى نمى گيرد، پيامبر هميشه پرچم جهاد را به أو مى سپرد، وجبرئيل از سمت راست، وميكائيل از سمت چپ أو مى جنگيدند، وجز با پيروزى باز نمى گشت، وخداوند پيروزى مسلمانان را بدست أو تحقق مى بخشيد، أو در در زمان شهادت چيزى از طلا ونقره از خود باقى نگذارده، جز چيزى كه يكى از كودكانش داشت، ودر بيت المال پولى را باقى نگذارد جز هفتصد درهمى كه از عطايش باقى مانده بود، ومى خواست براى ام كلثوم كنيزى بخرد. آنگاه فرمود: أي مردم ! هر كس مرا مى شناسد كه مرا مى شناسد، وآنكه نمى شناسد بداند كه من حسن پسر على عليه السلام هستم. آنگاه اين آيه كه حكايت قول حضرت يوسف است را خواند: (دين پدرانم ابراهيم واسحاق ويعقوب را پيروى كردم). من پسر انذار كننده، ومن پسر خواننده بسوى خدا، ومن پسر كسى هستم كه بعنوان رحمت براى جهانيان فرستاده شده است، ومن از خاندانى هستم كه خداوند پليدى را از آنان دور ساخت وايشان را پاك

_____